



## دعا هنگام اندوه برای رویدادی و نگرانی برای خطاها

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا حَزَنَهُ أَمْرٌ وَأَهَمَّتْهُ الْخَطَايَا

از دعاهاى امام عليه السلام است هنگامى كه رویدادى او را اندوهگین و یاد خطاها نگران و بی قرارش می نمود

اللَّهُمَّ يَا كَافِيَ الْفَرْدِ الضَّعِيفِ وَوَاقِيَ الْأَمْرِ الْخَوْفِ أَفْرَدْتَنِي الْخَطَايَا فَلَا صَاحِبَ مَعِيَ

ای خداوندی که تنها تو بسنده‌ای بنده تنها و ناتوان را، و ای خداوندی که تنها تو نگهدارنده‌ای از هر چه سهمناک و وحشت خیز است. خطاهای من سبب تنهایی من شده و یاور و همراهی برای من نمانده است.

وَضَعُفْتُ عَنْ غَضَبِكَ فَلَا مُؤَيِّدٍ لِي وَأَشْرَفْتُ عَلَى خَوْفِ لِقَائِكَ فَلَا مُسَكِّنَ لِرَوْعَتِي

از خشم تو ناتوان گشته‌ام و کس مرا مددکار نیست. وحشت از دیدار تو بر من چیره شده و وحشتم را تسکین دهنده‌ای نیست.

وَمَنْ يُؤْمِنِي مِنْكَ وَأَنْتَ أَخَفْتَنِي وَمَنْ يُسَاعِدُنِي وَأَنْتَ أَفْرَدْتَنِي وَمَنْ يُقَوِّنِي وَأَنْتَ أضعفْتَنِي

ای خداوند، چه کسی مرا از ایمنی بخشد، اگر تو مرا به وحشت افکنده باشی؟ چه کسی مرا یاری دهد، اگر تو بی کس و تنهاییم ساخته باشی؟ چه کسی مرا توانایی بخشد، اگر تو ناتوانم خواسته باشی؟



لَا يُجِيرُنِي إِلَهِي إِلَّا رَبُّ عَلَى مَرْبُوبٍ وَلَا يُؤْمِنُ إِلَّا غَالِبٌ عَلَى مَعْلُوبٍ وَلَا يُعِينُ إِلَّا طَالِبٌ عَلَى  
مَطْلُوبٍ

ای خداوند من، تنها پرورنده است که پرورده خود پناه تواند داد و غالب است که مغلوب خود را ایمنی تواند  
بخشید و جوینده است که گریخته را یاری تواند داد.

وَيَدِيدُكَ يَا إِلَهِي جَمِيعُ ذَلِكَ السَّبَبِ وَإِلَيْكَ الْمَقْرُوءُ وَالْمُهْرَبُ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَجْرُهُ رَبِّي وَأُنْحِ  
مَطْلِبِي

ای خداوند من، همه این‌ها به دست توست و گریزگاهی جز به آستان تو نیست. پس بر محمد و خاندانش درود  
بفرست و اکنون که به سوی تو گریخته‌ام پناهم ده و اکنون که حاجت به تو آورده‌ام حاجت من بر آور.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ إِن صَرَفْتَ عَنِّي وَجْهَكَ الْكَرِيمَ أَوْ مَنَعْتَنِي فَضْلَكَ الْجُسِيمَ أَوْ حَظَرْتَ عَلَيَّ رِزْقَكَ أَوْ  
قَطَعْتَ عَنِّي سَبَبَكَ

ای خداوند، اگر تو روی نیکوی خود از من بگردانی، یا مرا از فضل و احسان عظیم خویش منع فرمایی، یا روزیت  
را از من دریغ داری، یا رشته عنایت خود از من ببری،

لَمْ أَجِدِ السَّبِيلَ إِلَى شَيْءٍ مِنْ أَمَلِي غَيْرَكَ وَلَمْ أَقْدِرْ عَلَى مَا عِنْدَكَ بِمَعُونَةٍ سِوَاكَ فَإِنِّي عَبْدُكَ وَفِي  
قَبْضَتِكَ نَاصِيَتِي يَدَيْكَ

باز هم برای رسیدن به آرزوهایم راهی جز تو نمی‌یابم و برای رسیدن به رحمت تو جز تو یآوری نمی‌جویم، که  
من بنده تو هستم، و در قبضه اقتدار تو و موی سرم چون زمام من به دست توست.



لَا أَمْرِي مَعَ أَمْرِكَ مَاضٍ فِي حُكْمِكَ عَدْلٌ فِي قَضَاؤِكَ وَلَا قُوَّةٌ لِي عَلَى الْخُرُوجِ مِنْ سُلْطَانِكَ

ای خداوند، جز آنچه تو فرمایی مرا فرمانی نیست. حکم تو بر من روان است. هر چه برای من مقدر گردانی عین عدالت است و مرا یارای بیرون شدن از حیطة فرمانروایی تو نباشد.

وَلَا اسْتَطِيعُ مَجَاوِزَةَ قُدْرَتِكَ وَلَا اسْتَمِيلُ هَوَاكَ وَلَا أَبْلُغُ رِضَاكَ وَلَا أَنْالُ مَا عِنْدَكَ إِلَّا بِطَاعَتِكَ وَ  
بِفَضْلِ رَحْمَتِكَ

از دایره قدرت تو پای بیرون نتوانم نهاد. و نیاورم که خود را محبوب تو گردانم و تو را از خود خشنود سازم. و به آنچه در نزد توست جز به طاعت و بخشش و بخشایش تو نتوانم رسید.

إِلَهِي أَصْبَحْتُ وَأُمْسَيْتُ عَبْدًا دَاخِرًا لَكَ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا بِكَ

ای خداوند، شب را به روز می آورم و روز را به شب می رسانم، در حالی که بنده ذلیل تو هستم. مالک سود و زیان خود نیستم مگر به نیروی تو.

أَشْهَدُ بِذَلِكَ عَلَى نَفْسِي وَأَعْتَرِفُ بِضَعْفِ قُوَّتِي وَقِلَّةِ حِيلَتِي فَأَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي وَتَمِّمْ لِي مَا  
آتَيْتَنِي

بر این گواهی می دهم و به ناتوانی و بیچارگی خود معترفم. پس ای خداوند، آن وعده که مرا داده ای برآور و هر چه مرا عطا کرده ای به کمال رسان،

فَإِنِّي عَبْدُكَ الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ الضَّعِيفُ الضَّرِيرُ الْحَقِيرُ الْمُهِينُ الْفَقِيرُ الْخَائِفُ الْمُسْتَجِيرُ

که من بنده بینوای زار ناتوان زیان دیده حقیر بی مقدار فقیر ترسان پناهنده توام.



اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تَجْعَلْنِي نَاسِيًا لِذِكْرِكَ فِيمَا أَوْلَيْتَنِي وَلَا غَافِلًا لِإِحْسَانِكَ فِيمَا أَوْلَيْتَنِي

بار خدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و چنان مکن که سپاسگزاری در برابر نعمتت را فراموش کنم، یا از ذکر احسان و بخشش تو غافل شوم،

وَلَا آيِسًا مِنْ إِبْطَاتِكَ لِي وَإِنْ أَبْطَأْتُ عَنِّي فِي سَرَاءٍ كُنْتُ أَوْضَرَاءً أَوْ شِدَّةٍ أَوْ رَحَاءٍ

یا از استجابت دعایم - هر چند به تأخیر افتد - نومید گردم، چه در مسرت باشم یا اندوه، چه در سختی باشم یا آسایش،

أَوْ عَافِيَةٍ أَوْ بَلَاءٍ أَوْ بُؤْسٍ أَوْ نِعْمَاءٍ أَوْ جِدَّةٍ أَوْ لَأْوَاءٍ أَوْ فَقْرٍ أَوْ غِنَى

چه در عافیت به سر برم یا در بلا، چه در توانگری باشم یا بینوایی، چه در فراخی نعمت باشم یا در تنگی معیشت و چه در فقر یا غنا.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ ثَنَائِي عَلَيْكَ وَمَدْحِي إِيَّاكَ وَحَمْدِي لَكَ فِي كُلِّ حَالَتِي حَتَّى لَا أَفْرَحَ بِمَا آتَيْتَنِي مِنَ الدُّنْيَا

بار خدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و مرا در همه حال توفیق ده که ذکر جمیل تو گویم و به ستایش تو بر خیزم و سپاست بگزارم، تا به آنچه از مال دنیا بر من ارزانی داشته‌ای دلخوش نباشم

وَلَا أَحْزَنَ عَلَى مَا مَنَعْتَنِي فِيهَا وَأَشْعِرْ قَلْبِي تَقْوَاكَ وَاسْتَعْمِلْ بَدَنِي فِيمَا تَقْبَلُهُ مِنِّي

و به منع تو اندوه نخورم. خوف خود شعار دلم گردان و تنم را به کاری برگمار که تواس می‌پسندی



وَاشْغَلْ بِطَاعَتِكَ نَفْسِي عَنْ كُلِّ مَا يَرُدُّ عَلَيَّ حَتَّى لَا أَحِبَّ شَيْئًا مِنْ سَخَطِكَ وَلَا أَسْخَطُ شَيْئًا مِنْ رِضَاكَ

و مرا از هر چه به من روی آورد، به فرمانبرداری خود مشغول دار، تا چیزی که تو را به خشم آورد به دوستی نگیرم و از چیزی که رضای تو در آن است خشم نگیرم.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَفَرِّغْ قَلْبِي لِمَحَبَّتِكَ وَاشْغَلْهُ بِذِكْرِكَ وَأَنْعَشْهُ بِخَوْفِكَ وَبِالْوَجَلِ مِنْكَ

بار خدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و دلم از هر محبتی تهی گردان تا تنها جای محبت تو باشد، و به یاد خود مشغول دار و از بیم خود توانگر نمای

وَقَوِّهِ بِالرَّغْبَةِ إِلَيْكَ وَأَمَلُهُ إِلَى طَاعَتِكَ وَأَجْرِهِ فِي أَحَبِّ السُّبُلِ إِلَيْكَ وَذَلِّلْهُ بِالرَّغْبَةِ فِيمَا عِنْدَكَ أَيَّامَ حَيَاتِي كُلِّهَا

و رغبت آن به خود برانگیز و به طاعت خود گرایش ده و بدان راه که بیشترش دوست داری روان بدار و چنان کن که تا زنده‌ام مقهور رغبت به چیزی باشد که در نزد توست.

وَاجْعَلْ تَقْوَاكَ مِنَ الدُّنْيَا زَادِي وَإِلَى رَحْمَتِكَ رِحْلَتِي وَفِي مَرَضَاتِكَ مَدْخَلِي

ای خداوند، چنان کن که در این جهان پرهیزگاری رهنوشه من باشد و مقصد من در این سفر رسیدن به رحمت تو و خشنودی تو سرای من

وَاجْعَلْ فِي جَنَّتِكَ مَثْوَايَ وَهَبْ لِي قُوَّةً أَحْتَمِلُ بِهَا جَمِيعَ مَرَضَاتِكَ

و بهشت تو جایگاه من. و مرا نیرویی ده که بار رضای تو بر دوش توام کشید



## وَاجْعَلْ فِرَارِي إِلَيْكَ وَرَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ

و از هر که گریزم در تو گریزم و خواست من چیزی باشد که در نزد تو باشد.

## وَأَبْسُ قَلْبِي الْوَحْشَةَ مِنْ شِرَارِ خَلْقِكَ وَهَبْ لِي الْأُنْسَ بِكَ وَبِأَوْلِيَائِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ

قلبم را از بدسیرتان به بیم افکن و انس خود و دوستان خود و بندگان فرمانبرداریت را نصیب من کن.

## وَلَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ وَلَا كَافِرٍ عَلَيَّ مِنْنَةً وَلَا لَهْ عِنْدِي يَدًا وَلَا بِي إِلَيْهِمْ حَاجَةً

بار خدایا، بار منت هیچ گنهگار و کافر بر دوش من مننه و برای هیچ یک از آنان در نزد من نعمت و بهره‌ای قرار مده و مرا نیز به آنان محتاج مکن،

## بَلِ اجْعَلْ سَكُونَ قَلْبِي وَأُنْسَ نَفْسِي وَاسْتِغْنَائِي وَكِفَايَتِي بِكَ وَبِحِبَارِ خَلْقِكَ

بلکه آرامش دل و آسایش جان و بی‌نیازی و کفایت مرا تنها به خود و بندگان نیکوکار منحصراً فرمای.

## اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِي لَهُمْ قَرِينًا وَاجْعَلْنِي لَهُمْ نَصِيرًا

بار خدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و مرا همدم ایشان ساز و مرا یاور ایشان گردان



وَأَمْنٌ عَلَىٰ بَشُوقِ إِلَيْكَ وَبِالْعَمَلِ لَكَ بِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَىٰ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَذَلِكَ عَلَيْكَ

يَسِيرٌ

و بر من منت نه و شوق خود در دل من افکن و به کاریم بر گمار که تو باش دوست بداری و تو از آن خشنود شوی، که تو بر هر کاری توانایی. و خواسته من برای تو آسان است.